

نعمت محرومیت

دوست عزیزم دکتر حسن محدثی

امیدوارم که خوب باشید. نوشته اخیر شما تحت عنوان "شمّ جامعه‌شناختی معلّم کوچک و عصبانیت حریفان" (<http://iqna.ir/fa/news/3699325/%D8...D9%86>) را در کانال تلگرامی تان (@HasanMohaddesi)، "زیر سقف آسمان" خواندم؛ با خواندن آن حس دوگانه‌ای و آمیزه‌ای از وجد و حزن را تجربه کردم. خرسند شدم از اینکه می‌بینم یکی از جامعه‌شناسانِ متبع، خوشفکر و خوش‌قلم سرزمینم، به تعبیر شریعتی بزرگ از «نعمت محرومیت» برخوردار است و «نداشتن و نخواستن» را اختیار کرده؛ نخواستنی که قوام‌بخش حریت و جسارت و صراحت است؛ از اینرو می‌تواند، سبکبالانه و بدون ملاحظه و واهمه‌ای، «فیلسوف نورچشمی» و «فیلسوف ما» را نقد کند و ایده‌ها و سخنان وی در دهه‌های شصت و هفتاد شمسی را متذکر شود و در منظر و مرئی دیگران قرار دهد. پژوهشگری که قدر و منزلت اندیشه را می‌داند و غث و ثمین را از یکدیگر باز می‌شناسد و به بازخوانی میراث متفکران جدی و دورانساز ایرانی معاصر همت گمارده و در حوزه "شریعتی‌پژوهی"، آثار نیکو و در خور تاملی منتشر کرده است.

از سوی دیگر، تاسف خوردم از اینکه چرا ایشان وقت خود را مصروف پرداختن به نوشته بی‌مایه روزنامه‌نگار متفنی کرده که هنری جز عداوت و رزی با نحلّه نواندیشی دینی و مواجهه خصمانه با نواندیشان دینی ندارد. پیشتر درباره این جماعت و بی‌مهری‌هایشان در حق نحلّه نواندیشی دینی دو جستار «در طریقت ما کافرست رنجیدن» و «به کجا چنین شتابان؟؟» را منتشر کرده‌ام. این روزنامه‌نگار، از اساتیدش، «فیلسوف ما» و جواد طباطبایی به نیکی آموخته که حمله آوردن بر درویشان یک قبا، اندیشه‌ورانی که اهالی قدرت هیچ دل خوشی از آنها ندارند، نه تنها مالیاتی و هزینه‌ای ندارد، بلکه او را بر می‌کشد و به کار و بارش رونق می‌بخشد. از اینرو، فلسفه‌پیشگانی چون محمدتقی مصباح یزدی و عبدالله جوادی آملی و عبدالحسین خسروپناه را فرو می‌گذارد و از گل نازک‌تر به فقیهانی چون محمد یزدی، احمد جنتی، و احمد خاتمی نمی‌گوید؛ در مقابل، فرصتی را برای تاختن به نواندیشان دینی متقدم و متاخر از دست نمی‌دهد؛ نواندیشان دینی متاخری که عموماً مغضوب‌اند و جلای وطن کرده‌اند؛ تو گویی که سخنان فقیهان و اهالی فلسفه حکومتی عاری از خبط و خطاست و «بر دامن کبریایی اش ننشیند گرد».

هر انسان منصفی که با علوم انسانی جدید آشنایی دارد و همچنان وجدان خود را نفروخته، می‌داند که قرائت انسانی و اخلاقی نواندیشان دینی متاخر از سنت دینی، در قیاس با روایت‌های سنت گرایانه و بنیاد گرایانه، به مدرنیته گشوده است و با ساز و کار دموکراتیک و پاسداشت حقوق بنیادین بشر که از دستاوردهای فلسفه جدید است، بر سر مهر است و زندگی را در روزگار پر تلاطم کنونی، سهل‌تر و دلپذیرتر و انسانی‌تر می‌کند. نادیده انگاشتن و به محاق راندن این امر و در مقابل مدارا کردن با کسانی که خصم علوم انسانی جدید‌اند، سویه‌های غیر معرفتی پررنگی دارد و از آن هیچ بوی صدقی به مشام نمی‌رسد.

برادر بزرگوارم، عموم اهل فنّ با قلت بضاعت فلسفی و فرهنگی این روزنامه‌نگاران و انگیزه‌های غیر معرفتی و سیاسی کاری رسوای آنها به نیکی آشنا هستند. بهتر آن است که امثال شما و من، کارهای فکری و نوشتاری خویش را دنبال

کنیم و به ادامه دادن ادامه دهیم و اوقات گرانبهای خود را صرف نیش و سیخِ خصمانه و عتاب‌آلود این حضرات نکنیم
و بدانها وقعی ننهیم و این جماعت را به حال خود واگذاریم، که :

هین تو کار خویش کن ای ارجمند

زود، کایشان ریش خود بر می کنند

سروش دباغ،

تورنتو، اسفند ۱۳۹۶